



ورود وزیر فرهنگ به دوحه

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به منظور حضور در آیین گشایش هفته فرهنگی ایران در قطر، وارد دوحه پایتخت کشور قطر شد. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، هفته فرهنگی ایران و قطر از روز چهارشنبه، هشتم اسفندماه با حضور سعیدعباس صالحی رسماً آغاز شد. هفته فرهنگی ایران در قطر در حالی برگزار می‌شود که آن چه «استقبال گسترده شهروندان و افراد مقیم این کشور عربی در نخستین روز برپایی نمایشگاه اقلام فرهنگی و موسیقی ایرانی» خوانده شده است، مسئولان برگزاری در دوحه را غافلگیر کرد. این رویداد فرهنگی به‌مدت سه‌روز ادامه خواهد داشت. هفته فرهنگی ایران و قطر میزبان بیش از ۱۰۰ هنرمند و ورزشکار ایرانی است. قرار است هنرمندان در بیش از ۳۰ رشته برنامه اجرا کنند و فرهنگ، هنر و سنت‌های ایرانی را به نمایش گذارند. ریاست هفته‌های فرهنگی قطر با کشورهای دیگر را شیخه میاسه، رئیس موزه‌های قطر برعهده دارد. میاسه در بدو ورود سعیدعباس صالحی به قطر با او هیئت‌همراهش دیدار کرد.



واکنش عیاری به قاچاق «کاناپه»

در پی انتشار غیرقانونی فیلم «کاناپه»، کیانوش عیاری در نامه‌ای تأکید کرد: «از نمایش غیرقانونی و قاچاق این اثر در پلتفرم‌های غیرمجاز ناراضی هستم. توقیف این فیلم، هدیه‌ای از سوی مسئولان وقت سینما بود و اکنون، انتشار غیرقانونی آن ضربات مضاعف به حقوق مادی و معنوی من وارد خواهد کرد.» خبر آنالین ضمن اعلام این خبر نوشت، عیاری در ادامه این نامه آورده است: «فیلم کاناپه در سال ۱۳۹۵ با هزینه زیادی ساخته شد و باتوجه به نرخ تورم و شرایط اقتصادی کنونی، هرگونه نمایش غیرقانونی آن زیان جبران‌ناپذیری برای من به همراه دارد. این فیلم نیز، همچون دیگر آثارم از «آبادانی‌ها» و «شبح کزدم» گرفته تا «دو نیمه سیب»، «سفره ایرانی»، «بیدار شو آرزو»، «بودن یا نبودن» و «خانه پدری»، هرگز فرصت نمایش عادی در سینما را نیافت و در مسیر ارکان بی‌شمار مواجه شد.» عیاری همچنین از تمام دوستداران سینما و مخاطبان آثارش تقاضا کرده است که از تماشای نسخه‌های قاچاق «کاناپه» خودداری کنند.



جعفر گودرزی، دبیر جشن منتقدان

براساس مصوبه هیئت‌مدیره انجمن منتقدان و نویسندگان آثار سینمای ایران، جعفر گودرزی به‌عنوان دبیر پانزدهمین جشن بزرگ منتقدان انتخاب شد. روابط‌عمومی انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ضمن اعلام این خبر نوشت، در متن این پیام چنین آمده است: «هیئت‌مدیره انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران با در نظر گرفتن سابقه درخشان جشن بزرگ منتقدان و نویسندگان سینمای ایران به‌عنوان یکی از معتبرترین و تأثیرگذارترین رویدادهای سینمایی کشور، جعفر گودرزی را به‌عنوان دبیر پانزدهمین جشن بزرگ منتقدان برگزید؛ انتخابی که بر پایه سال‌ها تلاش مستمر، مدیریت و نگاه دقیق او به سینمای ایران و همچنین تجربه مدیریت این جشن صورت گرفته است. پانزدهمین جشن بزرگ منتقدان با تأکید بر اصالت سینمای متفکر و جریان‌ساز، گامی دیگر در مسیر تثبیت جایگاه نقد به‌عنوان یکی از ارکان مهم سینمای ایران خواهد بود. امید می‌رود این دوره جشن بزرگ منتقدان، همچون ۱۴ دوره قبل، محفلی برای پاسداشت سینمای اندیشمند و ستایش برترین‌های این هنر باشد.»



که هیچش کنار ه نیست

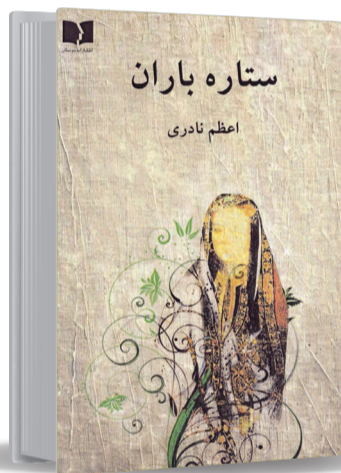
اعظم نادری در ستاره باران به گفت‌وگو با زنان عاشق پیشه ایرانی می‌نشیند



عشق البته یک معنا، یک مضمون و یک شکل ندارد اما بیشتر با عشق رمانتیک آمیخته به احساسات و امیال جنسی در اذهان تداعی می‌شود. ما اما می‌دانیم که نه همیشه به همین شکل جلوه‌گری کرده است، نه سایر اشکال آن چون عشق حیرانی، عشق افلاطونی، عشق به خانواده، عشق عرفانی و... را می‌توان خوار پنداشت و عشقی بدلی قلمداد کرد. با این همه طنین عشق رمانتیک بیش از هر عشقی برای مردمان جزایبیت داشته و بیراه نیست بگوییم که بعد از عشق به خانواده، همین عشق بوده است که در تجربه جمعی از ابنای بشر موجود است. در ایران نیز چنین است و باتوجه به آن حجم از توجه به عشق که در ادبیات و زبان فارسی دیده می‌شود، طبیعی است که امروز و همچنان، بسیاری دلبرانه اشعار عاشقانه شاعران پارسی‌گوی را چون نقل تر بر زبان خویش بچشند. با چنین پیش‌زمینه‌ای، اعظم نادری در رمان «ستاره باران» که انتشارات «دوستان» آن را در زمستان ۱۴۰۳ منتشر کرده و در همین مدت نیز به چاپ سوم رسیده است، زندگی زنی به‌نام ستاره را که متأهل، خانه‌دار و مادر سه فرزند است و در میدان عشق و جذب استادش زمین‌گیر است، دستمایه روایتی می‌کند برای دیدار دوباره زنان عاشق‌پیشه‌ای که در تاریخ ادبیات ایران، شهر آشوبی‌های آنان ماندگار شده و البته قضاوت‌های متفاوتی درباره‌شان ابراز می‌شود. شخصیت

معرفی کتاب

ستاره باران
نویسنده: اعظم نادری
انتشارات: نشر دوستان
قیمت: ۲۵۰ هزار تومان



باز میل، عادت و غریزه آدمیان را به راهی کشانده است که همان حضرت حافظ مجبور شود اعتراف کند: «راهیست راه عشق که هیچش کنار ه نیست / آنجا جز آن که جان بسپارند چاره نیست / هر که دل به عشق دهی خوش دمی بود / در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست / ما را از منع عقل مترسان و می‌بیار / کان شحنه در ولایت ما هیچ کاره نیست.»



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

عشق به‌معنای دلدادگی احساسی و دوست‌داشتن افراطی شخصی یا چیزی دیگر قدمتی ناپیدا در جهان دارد و در عین حال جهانی که ما امروز در آن زندگی می‌کنیم، به طرز بی‌حد و حصر از آن تأثیر پذیرفته است. به زبانی دیگر اگر نبود عشق‌های جانگدازی که در این جهان تجربه شده‌اند و قلب‌های پرهیجان عاشقانی که یاد معشوق آنان را گداخته و سوزانده است، چه‌بسا جهانی که امروز در آنیم، شمایی دیگر پیدا می‌کرد. حتی اگر عاقلان این ادعا را گزافه‌گویی بدانند و بگویند محاسبات این جهان خوشبختانه بیشتر از آنکه بر مدار عشق چرخیده باشد، به گرد محور عقل گردیده است، بنابراین آن عشق‌های آتشین بیشتر از آنکه مایه خدمت به بشریت باشند، دستمایه تخیل‌های واهی و خطاها و خیانت‌های متعاقب آن خیال‌ها شده‌اند، باز نمی‌توان در این نکته لاقول تردید کرد که زندگی آدمی با عشق آمیخته است و اگرچه بسیاری به صدها زبان این توصیه حضرت حافظ را تکرار کرده‌اند که «در زلف چون کمندش ای دل مهیج کانا / سرها بریده بینی بی جرم و بی جنایت» اما

اعتراف به حسادت، نفرت و کمی هم عشق



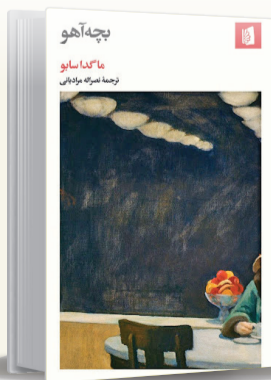
سعید صدقی

روانشناس و نویسنده

زندگی هرکدام از ما بیشتر از هر چیزی به یک رمان شبیه است. به داستان بلندی که طرح کلی دارد، ساختاری که انگار پیرنگش را در چند جمله و شاید حتی در یک جمله بتوان خلاصه کرد. رمان زندگی هرکدام از ما یک شخصیت محوری دارد؛ خودمان. و همه آدم‌های دیگر می‌شوند شخصیت‌های فرعی؛ آدم‌هایی که در ارتباط با رخدادهای زندگی‌مان سیر روایت آن رمان را تشکیل می‌دهند و این رمان مثل همه آثاری که نوشته شده باشند، یک پیش‌نویس اولیه داشته است. نویسنده‌ای که انگار روزی چیزی به ذهنش رسیده، بی اختیار نشسته پشت میز کارش و شخصیت‌هایی را با رخدادهایی به هم گره زده باشد، تا بعد سرفرصت از این ملات خام، اثر بدیع و تازه‌ای خلق کند. پیش‌نویس اولیه زندگی هرکدام از ما را نویسنده‌ای به‌نام بخت و اقبال، در همان دوران کودکی‌مان خلق کرده است.

معرفی کتاب

بچه آهو
نویسنده: ماگدا سابو
مترجم: نصراله مرادپانی
انتشارات: بیدگل
قیمت: ۳۳۵ هزار تومان



اینکه کجا به دنیا آمده باشیم، از چه پدر و مادری، در چه وضعیت اقتصادی و فرهنگی‌ای، با کدام تجربه‌های اولیه و چه میزان از تأثیرپذیری، همه و همه به میل و رغبت نویسنده بخت و اقبال‌مان بستگی داشته است و همین پیش‌نویس اولیه است که انگار روال خیلی چیزهای زندگی را در بعدها تعیین خواهد کرد. اینکه چه میزان از پذیرش و تایید، چه میزان از مهر، محبت و نوازش را سهم برده باشیم، همه و همه نقشی تعیین‌کننده در ساختن انسانی خواهند

داشت که قرار است بشویم. و اگر رخدادهای اولیه، اگر طرح کلی آن پیش‌نویس دوران کودکی چیزی از ریخت افتاده باشد چه؟ اگر روزی مثل قهرمان رمان «بچه آهو» بگوییم: «قبل از مرگ پدرم بوهایی برده بودم، ولی بعد از اینکه مادرم مُرد دیگر شک نداشتم که برای هردویشان اهمیتی نداشت، آنها تنها افراد مهم زندگی هم‌دیگر بودند... آنها فقط به‌همدیگر علاقه داشتند، احساسات اضافی نداشتند تا برای کسی دیگر و مسلماً برای من خرج کنند.» یا به‌عنوان تنهایی فرزند چنین زن و شوهری احساس کند که «من مانند دخترک مستخدمی که بدعق است، مثل دست‌وپاچلفتی‌ها، دوروبرشان می‌پلکیدم؛ برایشان آب می‌بردم، می‌رفتم زیرزمین و برای اجاق هیزم می‌آردم و غمبادگرفته از گوشه‌ای با حسادت زل می‌زدم بهشان. در عین اینکه اضافی بودم، برایشان اهمیت هم داشتم؛ به من نیاز داشتند، به‌خاطر دست‌هایم و عضلاتم و سبک‌پا بودنم.» آن‌وقت آن پیش‌نویس لغت‌نی‌چ‌بلائی سر ادامه زندگی‌مان خواهد آورد؟ آدمی ترحم‌طلب و قربانی خواهیم شد؟ شاید! به موجودی آسیب‌پذیر و رنجور تبدیل خواهیم شد؟ ممکن است. شاید هم چیزی شبیه به کودکی عصبانی در درون مان لانه کند. موجودی که درباره خودش بگوید: «من هیچ‌وقت نمی‌توانستم دختر خوبی باشم و هیچ‌وقت نمی‌توانستم دروغ نگویم؛ و...» هیچ‌کس دوستم نداشت؛ و اینکه کسی دوستم ندارد از هر چیزی در جهان طبیعی‌تر بود؛ هیچ‌وقت تعجب نمی‌کردم